

Received:
11 June 2025Revised:
09 November 2025Accepted:
03 December 2025Published:
22 December 2025

P.P: 37-69

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743**The U.S.–China Trade War and Its Implications for the International Trade Order (2017–2025)**Saeed Mirtorabi¹ | Mahmoud Bayat² | Arsalan Ghorbani Sheikhneshtin³ | Seyed Ali Monavari⁴

DOI: 10.47176/asr.1323

Abstract

The trade war between the United States and China during the period 2017–2025 has emerged as one of the most challenging developments in the international trade order. This development has intensified with the adoption of protectionist policies by the United States and has acquired broad economic, technological, and institutional dimensions. Focusing on these dimensions, the present article seeks to answer the following question: how have U.S. actions in resorting to a trade war with China between 2017 and 2025 affected the multilateral international trade order? The research hypothesis, formulated within a descriptive–analytical framework and examined through documentary research methods, holds that during the period 2017–2025 the United States—acting as a hegemon in contention with the very order it established—has, by pursuing a competitive approach toward China in global trade, reinforced protectionist practices over cooperative mechanisms within the global trading system and weakened the foundations of the liberal multilateral order. In this regard, the findings indicate that U.S.–China trade and technological competition is not a temporary or episodic project, but rather a structural and enduring process that has persisted despite changes in administrations. This competition has contributed to the polarization of the global market, the weakening of multilateral institutions, and the reconfiguration of global supply chains. These developments present both opportunities and challenges for other countries, including Iran. Capitalizing on these opportunities requires proactive policymaking, trade diversification, and the enhancement of technological capabilities.

Keywords: United States; China; Trade War; International Trade Order; Cooperation; Competition.

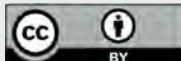
¹ Corresponding Author: Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: saeed.mirtorabi@khu.ac.ir

² PhD Candidate in International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: mahmoudbayat98@gmail.com

³ Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: ghorbani@khu.ac.ir

⁴ Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: s.a.monavari@khu.ac.ir

Cite this Paper: Mirtorabi, S., Bayat, M., Ghorbani sheikh neshin, A., & Monavari, S. (2025). The US-China Trade War and Its Consequences on the International Trade Order 2017-2025. *American Strategic Studies*, 5(19), 37-69.



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



جنگ تجاری آمریکا با چین و پیامدهای آن بر نظم تجاری بین‌المللی

۲۰۱۷-۲۰۲۵

سعید میرترابی^۱ | محمود بیات^۲ | ارسلان قربانی شیخ‌نشین^۳ | سیدعلی منوری^۴

DOI: 10.47176/asr.1323

چکیده

جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، به یکی از چالش‌برانگیزترین تحولات در نظم تجاری بین‌المللی بدل شده است؛ تحولی که با اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه از سوی آمریکا شدت یافته و ابعاد اقتصادی، فناورانه و نهادی گسترده‌ای پیدا کرده است. مقاله حاضر می‌کوشد با تمرکز بر این ابعاد، به این پرسش پاسخ دهد که اقدامات ایالات متحده در توسل به جنگ تجاری با چین در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، چگونه بر نظم تجاری چندجانبه بین‌المللی تأثیر گذاشته است؟ فرضیه تحقیق که مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی و با روش مطالعه اسنادی انجام شده، این است که ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، به عنوان هژمون در حال ستیز یا نظم خویش، از طریق پیگیری رویکرد رقابتی با چین در عرصه تجارت جهانی، سبب تقویت رویه‌های حمایت‌گرایانه در قبال رویه‌های همکاری‌جویانه در نظم تجارت جهانی شده و بنیادهای نظم لیبرال چندجانبه را تضعیف کرده است. در همین راستا، یافته مقاله نشان می‌دهد که رقابت تجاری و فناورانه آمریکا با چین نه یک پروژه مقطعی، بلکه روندی ساختاری و پایدار است که حتی با تغییر دولت‌ها نیز استمرار یافته و موجب قطبی شدن بازار جهانی، تضعیف نهادهای چندجانبه، و بازآرایی زنجیره‌های تأمین خواهد شد. این تحولات برای سایر کشورها از جمله ایران، هم فرصت‌زا و هم تهدیدآمیز است؛ فرصت‌هایی که بهره‌برداری از آن‌ها مستلزم سیاست‌گذاری فعال، تنوع تجاری، و ارتقاء توانمندی فناورانه است.

کلیدواژه‌ها: ایالات متحده، چین، جنگ تجاری، نظم تجاری بین‌المللی، همکاری، رقابت

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

صص: ۳۷-۶۹

شماره چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



۱ دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: saeedmirtorabi@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: mahmoudbayat98@gmail.com

۳ استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: ghorbani@khu.ac.ir

۴ دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: s.a.monavari@khu.ac.ir

استناد: میرترابی، سعید؛ بیات، محمود؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و منوری، سیدعلی. (۱۴۰۴). جنگ تجاری آمریکا با چین و پیامدهای آن بر نظم

تجاری بین‌المللی ۲۰۱۷-۲۰۲۵. مطالعات راهبردی آمریکا، ۳۷(۳)، ۳۷-۶۹.

مقدمه

در سال‌های اخیر، نظم تجاری بین‌المللی که بر پایه اصول تجارت آزاد^۱ و چندجانبه‌گرایی^۲ استوار بود، دستخوش تحولات و چالش‌های بنیادینی شده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تشدید منازعات تجاری میان ایالات متحده و چین است که از سال ۲۰۱۷ آغاز و در سال‌های بعد به‌ویژه در ۲۰۲۵، شدت یافته است. این منازعه نه تنها روابط اقتصادی دوجانبه را دگرگون ساخته، بلکه مشروعیت و عملکرد نهادهایی همچون سازمان تجارت جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. مطابق گزارش آنکتاد^۳، تجارت جهانی کالاها در سال ۲۰۲۵ به میزان ۰٫۲ درصد کاهش یافته که این افت به‌طور مستقیم به استمرار تنش‌های تجاری میان دو اقتصاد بزرگ جهان مربوط می‌شود (UNCTAD, 2025).

نقطه عطف این روند، بازگشت دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۵ و اعمال تعرفه‌های بی‌سابقه تا ۱۴۵ درصد بر کالاهای چینی بود؛ اقداماتی که با ارجاع به مسائل امنیت ملی و بحران‌هایی نظیر فنتانیل^۴ توجیه شد. در پاسخ، چین نیز تعرفه‌هایی تا سقف ۱۲۵ درصد وضع کرد. تحلیل‌گران، این اقدامات متقابل را نشانه‌ای از تضعیف رژیم تجارت چندجانبه ارزیابی کرده‌اند. البته سابقه این رویکرد به دوره نخست ترامپ بازمی‌گردد، زمانی که حتی متحدان سنتی آمریکا مانند اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک هدف تعرفه‌های ۲۵ و ۱۰ درصدی بر فولاد و آلومینیوم قرار گرفتند. دولت بایدن نیز نه تنها این تعرفه‌ها را حفظ کرد، بلکه دامنه آن را به حوزه‌های جدید مانند تجهیزات پزشکی نیز گسترش داد. افزون‌براین، در دسامبر ۲۰۲۳، تمدید دو ساله سهمیه‌های تعرفه‌ای فولاد و آلومینیوم از سوی نماینده تجاری آمریکا، ادامه سیاست حمایت از صنایع داخلی را تأیید کرد (USTR, 2023).

در این چارچوب، بعد فناورانه منازعه نیز اهمیت یافته است. واشینگتن در چارچوب سیاست «حمایت‌گرایی فناورانه»^۵، دسترسی چین به فناوری‌های پیشرفته‌ای همچون نیمه‌هادی‌ها^۶، هوش

¹ Free trade

² Multilateralism

³ UNCTAD (United Nations Conference on Trade and Development)

⁴ Fentanyl

⁵ Technological protectionism

⁶ Semiconductors

مصنوعی^۱ و محاسبات کوانتومی^۲ را محدود نموده و برتری فناوریانه خود را حفظ کرده است (Ghaffarizadeh et al., 2024: 83). در مقابل، پکن با اتکا به برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵»^۳ و گسترش همکاری‌های فناوریانه در قالب ابتکار کمربند و راه، در پی دستیابی به خودکفایی فناوریانه و کاهش وابستگی به غرب برآمده است. برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵» راهبردی از بالا به پایین برای تقویت صنایع داخلی و پیشبرد نوآوری بومی در چین است. این طرح بر خودکفایی و نوآوری داخلی تأکید دارد و هدف آن، دستیابی به سهم ۷۰ درصدی تأمین کنندگان چینی از بازار داخلی قطعات و مواد پایه تا سال ۲۰۲۵ است. در این سیاست، حمایت از اختراعات بومی نسبت به واردات در اولویت قرار دارد (Wu, 2024: 323-334; Ghaffarizadeh et al., 2024: 84).

از این منظر، آثار منازعه تجاری آمریکا و چین تنها محدود به دو کشور نیست، بلکه نشانه‌هایی از تغییر در هندسه نظم تجاری جهانی را آشکار ساخته است. حمایت ۴۶ کشور عضو سازمان تجارت جهانی از چین در برابر اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده، حاکی از تضعیف جایگاه بین‌المللی واشینگتن است. همچنین، رشد روزافزون گرایش کشورها به توافق‌نامه‌های منطقه‌ای، به‌ویژه پیمان مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای^۴، گویای گذار تدریجی از چندجانبه‌گرایی سنتی به ائتلاف‌های منطقه‌ای است (IMF, 2024).

بدین ترتیب می‌توان گفت تنش‌های تجاری میان دو قدرت عمده اقتصادی بین‌المللی، پیامدهایی جدی بر نظم تجاری بین‌المللی برجا گذاشته است. در همین راستا، پرسش اصلی مقاله این است که اقدامات ایالات متحده در توسل به جنگ تجاری با چین در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، چگونه بر نظم تجاری چندجانبه بین‌المللی تأثیر گذاشته است؟ فرضیه تحقیق که با روش مطالعه اسنادی مبتنی بر رویکرد تحلیلی-توصیفی مورد بررسی قرار گرفته این است که ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، به عنوان هژمون در حال ستیز با نظم خویش، از طریق پیگیری رویکرد رقابتی با چین در عرصه تجارت جهانی، سبب تقویت رویه‌های حمایت‌گرایانه در قبال رویه‌های همکاری‌جویانه در نظم تجارت جهانی شده و بنیادهای نظم لیبرال چندجانبه را تضعیف کرده است. براین اساس می‌توان گفت که اقدامات ایالات متحده در توسل به جنگ تجاری با چین متغیر

¹ Artificial intelligence

² Quantum computing

³ The Made in China 2025

⁴ Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)

مستقل این تحقیق است که بر نظم تجاری چندجانبه بین‌المللی به عنوان متغیر وابسته، تأثیر می‌گذارد. رویکرد آمریکا در پیگیری رویکرد رقابتی با چین در عرصه تجارت جهانی نیز متغیر میانجی این تحقیق است که در مقاله براساس شاخص‌های زیر شیوه اثرگذاری اقدامات ایالات متحده به شکلی هدفمند بر نظم تجاری چندجانبه، مورد سنجش قرار گرفته است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: افزایش تعرفه‌های تجاری، تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، محدودیت‌های صادراتی فناوری، بازآرایی زنجیره‌های تأمین بین‌المللی و بهره‌گیری از نفوذ نهادی و برتری نسبی قدرت اقتصادی و فناوری ایالات متحده. مقاله برای بررسی فرضیه، پس از بررسی ادبیات تحقیق، به تمهید چارچوب نظری بر مبنای الگوی تقابل و تعامل تجاری می‌پردازد و با استخراج شاخص‌های مربوط، فرضیه را تحلیل و ارزیابی می‌کند.

۱- پیشینه تحقیق

جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین، به‌ویژه از سال ۲۰۱۷، موضوعی محوری در مطالعات اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل بوده است. کتب و مقالات منتشر شده در این حوزه را می‌توان به پنج دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول، کتاب‌هایی مانند «تجارت آزاد و جنگ تجاری ایالات متحده و چین: دیدگاه شبکه‌ای» نوشته هیونگ‌سو یون^۱ (Yoon, 2023) به تحلیل پیچیدگی‌های اقتصادی این درگیری پرداخته‌اند. هیو با استفاده از چارچوب شبکه‌ای، وابستگی متقابل دو کشور را بررسی کرده و استدلال می‌کند که تمرکز صرف بر عدم تعادل تجاری یا رقابت قدرت، تصویر کاملی ارائه نمی‌دهد. دسته دوم، مطالعاتی است که به بحث فناوری و زنجیره‌های تأمین پرداخته‌اند، باقری دولت‌آبادی (۱۴۰۳) در مقاله خود «افول آمریکا و ظهور چین: ارزیابی بر اساس شاخص‌های سنتی و فناورانه قدرت» نشان می‌دهد آمریکا در شاخص‌های سنتی قدرت افول کرده اما در شاخص‌های فناورانه همچنان برتر است، هرچند بهره‌برداری مؤثر از فناوری‌های جدید می‌تواند به ظهور نظم چندقطبی با برتری چین منجر شود. مرسی کو^۲ (Kuo, 2023) نیز در مقاله خود «دوست‌یابی زنجیره تأمین و تداوم وابستگی به زنجیره‌های تأمین چینی» بررسی استراتژی دوست‌یابی^۳ در زنجیره‌های تأمین جهانی می‌پردازد و استدلال می‌کند که

^۱ Hyoungsoo Yoon

^۲ Merci Kuo

^۳ friendshoring

علی‌رغم تلاش‌ها برای کاهش وابستگی به چین، شرکت‌های آمریکایی همچنان به زنجیره‌های تأمین چینی وابسته هستند. دسته سوم، به‌طور خاص به سیاست‌های حمایت‌گرایانه و استراتژی‌های کاهش وابستگی اقتصادی دو کشور پرداخته‌اند. درج (۱۴۰۳) در مقاله خود «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی ترامپ و بایدن با تأکید بر دو کشور ایران و چین (۲۰۲۴-۲۰۱۶)» استدلال می‌کند سیاست خارجی آمریکا در قبال چین تحت ترامپ و بایدن با تداوم حمایت‌گرایی تجاری، از جمله حفظ تعرفه‌ها، قانون «خرید آمریکایی» و بازنگری زنجیره‌های تأمین برای کاهش وابستگی، همراه بوده است. این رویکرد با ائتلاف‌های ضد نفوذ چینی مانند اکوس^۱ نشان‌دهنده تلاش برای مهار اقتصادی و ژئوپلیتیکی پکن است. احمدیان و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «آثار رشد اقتصادی چین بر تقویت حمایت‌گرایی اقتصادی در ایالات متحده» تأکید می‌کنند که افزایش قدرت اقتصادی چین منجر به تغییر در سیاست‌های تجاری ایالات متحده شده و این کشور به سمت حمایت‌گرایی اقتصادی حرکت کرده است. میرترابی و حسن پور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر خیزش چین بر مناسبات تجاری آن با ایالات متحده آمریکا (۲۰۲۱-۲۰۰۸)» نیز به این نتیجه می‌رسند که رشد اقتصادی چین و افزایش قدرت تجاری آن منجر به تغییر در توازن تجاری بین دو کشور شده است. این تغییرات باعث شده تا ایالات متحده سیاست‌های تجاری خود را بازنگری کرده و اقدامات محافظه‌کارانه‌تری را در پیش گیرد. دسته چهارم به پیامدهای ژئوپلیتیکی توجه داشته‌اند، کتاب «ابتکار کمربند و جاده در همکاری جنوب- جنوب» نوشته شنگ و ناسیمنتو^۲ (Xing & Nascimento, 2021) ابتکار چین را به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی تحلیل می‌کند. جعفری و رسول پور نیز در مقاله خود با موضوع «امکان‌سنجی انتقال قدرت در دریای چین جنوبی: خیزش چین در تقابل با هژمونی آمریکا» معتقدند که جنگ تجاری با آمریکا بخشی از راهبرد گسترده‌تر مهار چین در منطقه است. در نهایت، مقاله تأکید می‌کند که خیزش چین نظم تجاری و امنیتی آسیا- پاسیفیک را متحول کرده است و سرانجام، دسته پنجم به نقش نهادهای بین‌المللی پرداخته است. احمدی‌نژاد (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازیگری چین در نظام پساکرونا؛ ورود به مرحله سوم چرخه قدرت» تأکید می‌کند که پاندمی کووید-۱۹ به‌عنوان عاملی تسریع‌کننده، موجب ورود چین به مرحله مشروعیت‌زدایی ژئوپلیتیکی از هژمونی

¹ AUKUS

² Li Xing, Cristiano R. Nascimento

آمریکا شده است. کرونا را نه نقطه عطف تغییر هژمون، بلکه عامل تشدید رقابت ژئوپلیتیکی و اقتصادی می‌داند. ون‌گراستک^۱ (VanGrasstek, 2020) در مقاله خود با موضوع «آینده سازمان تجارت جهانی در برابر دوجانبه‌گرایی»^۲ به بررسی چالش‌های پیش روی سازمان تجارت جهانی در برابر روند فزاینده دوجانبه‌گرایی در تجارت بین‌الملل می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش توافق‌های دوجانبه می‌تواند چندجانبه‌گرایی این سازمان را تضعیف کند، مگر اینکه اصلاحاتی ساختاری انجام شود.

نوآوری این مقاله در چند محور اصلی قابل تبیین است. نخست آن که برخلاف اغلب مطالعات پیشین که تقابل چین و ایالات متحده را صرفاً در قالب جنگ تجاری یا رقابت فناورانه بررسی کرده‌اند، این پژوهش با طراحی «مدل تقابل و تعامل تجاری-سیاسی» نگاهی تلفیقی و پویا ارائه می‌دهد. دوم آن که این مدل بر مبنای رویکرد لارسون و اسکیدمور، نظم تجاری بین‌المللی را نه به صورت ایستا بلکه در حالت نوسان دائمی میان دو قطب لیبرال (تجارت آزاد چندجانبه) و نئومرکانتیلیستی تحلیل می‌کند. سوم، مقاله از دیدگاهی نو، روابط چین و آمریکا را فرآیندی ترکیبی از هم‌زمانی تعامل و تقابل می‌داند؛ به این معنا که همکاری در برخی حوزه‌ها (نظیر اقلیم، مالی، بهداشت) هم‌زمان با رقابت شدید در حوزه‌های دیگر (نظیر ژئوپلیتیک، امنیت، نیمه‌هادی‌ها) ادامه دارد. در نهایت، پژوهش با ترکیب داده‌های تجربی و تحلیل‌های نظری، چارچوبی مفهومی برای توضیح بازآرایی نظم تجاری جهانی از منظر ژئواکونومیک و فناورانه ارائه می‌کند که در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه بوده است.

۲- چارچوب مفهومی تحقیق: مدل تقابل و تعامل تجاری-سیاسی^۳ (CPTI)

در چارچوب مفهومی این تحقیق، نظم تجاری بین‌المللی به‌عنوان یک طیف پویا در نظر گرفته می‌شود که میان دو قطب تجارت آزاد چندجانبه با رویکرد لیبرال و حمایت‌گرایی با رویکرد نئومرکانتیلیستی در نوسان است. این طیف، که تحت تأثیر نیروهای اقتصادی، سیاسی و استراتژیک

^۱ Craig VanGrasstek

^۲ The future of the WTO in the face of bilateralism

^۳ Commercial-Political Tension and Interaction - CPTI

شکل می‌گیرد، امکان تحلیل دگرگونی‌های نظم تجاری را در مواجهه با تحولات بین‌المللی فراهم می‌سازد (Balaam & West, 2018: 14). در این میان، رویکرد نظری لارسون و اسکیدمور (۲۰۱۷) با تأکید بر سه عامل «رقابت اقتصادی»^۱، «نفوذ نهادی»^۲ و «قدرت نسبی»^۳ در چارچوب جهانی‌شدن، مدلی تحلیلی برای درک تعاملات میان کشورها، به‌ویژه در دوران تنش‌زای تجارت بین آمریکا و چین، ارائه می‌دهد (Larson & Skidmore, 1997: 147- 182). ترکیب این دو چارچوب، بنیان نظری محکمی برای بررسی روند بازشکل‌گیری نظم تجاری جهانی در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ فراهم می‌سازد.

در سوی طیف لیبرال، اصول تجارت آزاد مبتنی بر نهادهایی مانند موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت و سازمان تجارت جهانی تثبیت شده‌اند. سازمان تجارت جهانی با نظارت بر اجرای قواعد تجارت، پایبندی به هنجارهای چندجانبه را تضمین کرده و تنها در شرایط خاص مانند بحران اقتصادی یا تهدید امنیت ملی، استفاده از اقدامات حمایتی را مجاز می‌داند (WTO, 2020). در این فضا، گسترش زنجیره‌های تأمین جهانی وابستگی متقابل تجاری را افزایش داده و همکاری میان کشورها را تسهیل کرده است (Balaam & West, 2018: 132) با این حال، جهانی‌شدن، که به‌عنوان یک متغیر میانجی عمل می‌کند، علاوه بر تقویت همکاری، بستر تشدید رقابت میان قدرت‌های اقتصادی را نیز فراهم می‌آورد (Larson & Skidmore, 1997: 355).

در طرف مقابل این طیف، روندی معکوس قابل شکل‌گیری است. در این حال، قواعد چندجانبه تضعیف شده، نهادهایی مانند سازمان تجارت جهان از کارایی افتاده، و کشورهای پیشرو از جمله ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای سیاست‌های حمایت‌گرایانه اتخاذ کرده‌اند. جلوگیری از انتصاب قضات در نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی توسط آمریکا نمونه‌ای بارز از این روند است. سیاست‌هایی چون اعمال تعرفه‌های سنگین، محدودسازی سرمایه‌گذاری خارجی (Balaam & West, 2018: 142-153)، کنترل صادرات کالاهای استراتژیک و بازآرایی زنجیره‌های تأمین برای تقویت خوداتکایی اقتصادی، از جمله راهبردهایی هستند که نظم مبتنی بر همکاری را به چالش کشیده‌اند (The Wall Street Journal, 2025).

¹ economic competition

² institutional influence

³ relative power

تحلیل تاریخی نیز نشان می‌دهد که اگرچه پس از جنگ جهانی دوم، لیبرالیسم تجاری با رهبری آمریکا تقویت شد و موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (گات) و سازمان تجارت جهانی به‌عنوان ساختارهای نهادی آن تثبیت شدند (Balaam & West, 2018: 112-113)، اما بندهای حفاظتی تعبیه شده در این ساختارها امکان اعمال موقتی حمایت‌گرایی را فراهم کردند (WTO, 2020). با صعود چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی و فناوری در دهه گذشته، رقابت راهبردی میان واشنگتن و پکن شدت یافته و آمریکا از موقعیت هژمونیک خود برای بازتعریف قواعد بازی بهره برده است. این بازتعریف شامل اقداماتی نظیر اعمال تعرفه‌ها تا ۱۴۵ درصد بر کالاهای چینی در سال ۲۰۲۵، تحریم شرکت‌های فناوری مانند هوآوی و محدودسازی صادرات فناوری‌های نوین مانند تراشه‌های هوش مصنوعی به چین بوده است (The Wall Street Journal, 2025).

همان‌طور که لارسون و اسکیدمور گفته‌اند، قدرت هژمونیک ایالات متحده می‌تواند از نفوذ نهادی خود برای تحقق منافع ملی استفاده کند (Larson & Skidmore, 1997: 98). اکنون ایالات متحده با تضعیف ساختار سازمان تجارت جهانی و با افزایش سه برابری محدودیت‌های تجاری پیش از پاندمی و حمایت از پیمان‌های منطقه‌ای جایگزین، مانند توافق جامع و پیشرو برای مشارکت ترانس-پاسفیک^۱، ضمن به چالش کشیدن کارایی نظام چند جانبه سازمان تجارت جهانی، قواعد تجارت جهانی را به سود خود بازنویسی کرده و نقش نهادی خود را بازتعریف کرده است (IMF, 2024). در این فرآیند، جهانی‌شدن نقشی دوگانه ایفا کرده است؛ از یک سو افزایش وابستگی متقابل را تسهیل کرده و از سوی دیگر با تعمیق شکاف‌های اقتصادی و فناورانه، زمینه رقابت راهبردی را فراهم ساخته است (Larson & Skidmore, 1997: 47-67). در این رقابت، برتری فناوری آمریکا، به‌ویژه در حوزه‌های هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های سبز، به‌عنوان اهرمی کلیدی برای حفظ هژمونی جهانی این کشور عمل کرده است. سیاست‌های محدودکننده صادرات فناوری به چین، مانند تحریم‌های شرکت هوآوی، شکاف فناورانه را به نفع آمریکا تعمیق کرده و نفوذ این کشور را در شکل‌دهی به استانداردهای جهانی فناوری تقویت کرده است (Ghaffarizadeh et al., 2024: 85).

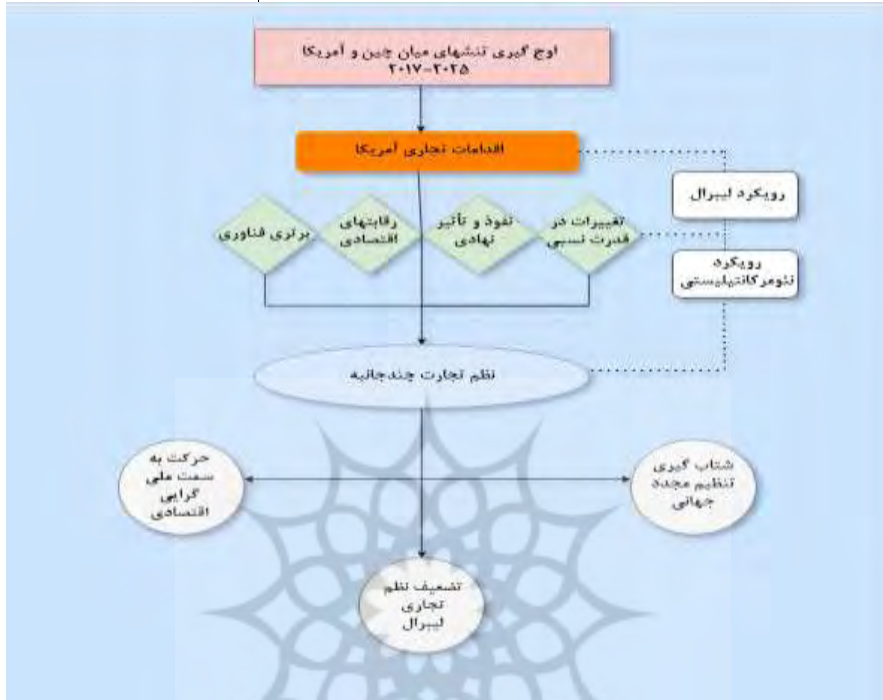
¹ Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership

در نتیجه، می‌توان فرض کرد که ایالات متحده در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، با استفاده از برتری فناوری، اقتصادی، نفوذ نهادی و واکنش به تغییرات قدرت نسبی، سیاست‌های حمایت‌گرایانه خود را در بستر جهانی‌شدن گسترش داده و نظم تجاری چندجانبه را به سمت ملی‌گرایی اقتصادی سوق داده است. این روند با پیامدهایی همچون تضعیف همکاری چندجانبه، کاهش کارایی نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی و افزایش قطب‌بندی تجاری منطقه‌ای همراه بوده است. چنین رویکردی قادر است پویایی‌های نظم تجاری بین‌المللی را با دقت بیشتری آشکار سازد و به درک دقیق‌تری از نقش ایالات متحده در بازآرایی ساختار تجارت جهانی منجر شود.

شکل شماره یک، مدل تحلیلی این پژوهش است که با تلفیق نظریه‌های لارسون و اسکیدمور و دیدگاه‌های لیبرال و نئومرکانتیلیستی، تأثیر اقدامات تجاری آمریکا را بر نظم تجاری بین‌المللی بررسی می‌کند. اقدامات ایالات متحده در توسل به جنگ سیاسی و تجاری با چین متغیر مستقل این مدل است که از طریق سازوکارهای میانجی و تعدیل‌گر، بر نظم تجاری چندجانبه به‌عنوان متغیر وابسته اثر می‌گذارد. در این چارچوب، پنج سازوکار اصلی شامل رقابت اقتصادی، برتری فناوری، نفوذ نهادی، تغییر در قدرت نسبی و تقابل بین رویکردهای نظری، روند اختلال در نظم لیبرال را توضیح می‌دهند. تحلیل نشان می‌دهد که جهت‌گیری نئومرکانتیلیستی آمریکا موجب تضعیف نهادهای چندجانبه و تسریع بازآرایی روابط تجاری جهانی شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل-۱. مدل تقابلی و تعامل تجاری-سیاسی



منبع: نگارندگان

۳- سیاست تجاری ایالات متحده در قرن بیست و یکم: بین ثبات‌سازی و بازآرایی نظم

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده به عنوان قدرتی هژمونیک، نقش اصلی در شکل‌دهی نظم اقتصادی و تجاری بین‌المللی ایفا کرده بود. این کشور با تولید ناخالص داخلی ۲۹,۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۴، معادل بیش از ۲۷ درصد اقتصاد جهانی، بازاری عظیم و نظام مالی نیرومند را در اختیار داشت که با تسلط دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی، جایگاهی بی‌رقیب برایش فراهم آورده بود (World Bank, 2024). نفوذ سیاسی و نظامی آمریکا، همراه با رهبری در نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، به آن امکان داده تا قواعد تجارت جهانی را طراحی و هدایت کند (Cartwright, 2024: 456- 458).

با این حال، آمریکا امروزه به‌عنوان «هژمون در حال ستیز با نظم خویش»^۱ شناخته می‌شود؛ قدرتی که از درون ساختار نظم لیبرالی برخاسته، اما اکنون با پیامدهای آن درگیر است. فرایند جهانی‌سازی، که در دهه‌های پایانی قرن بیستم تحت رهبری آمریکا شتاب گرفت، به تدریج موجب انتقال صنایع تولیدی به کشورهای با هزینه نیروی کار پایین‌تر شد. این روند، ضمن افزایش وابستگی اقتصادی متقابل، به تضعیف بخش تولید داخلی، افزایش نابرابری طبقاتی و شکل‌گیری شکاف‌های اجتماعی در داخل ایالات متحده انجامید. در همین حال، چین با بهره‌گیری از قواعد تجارت آزاد و اتخاذ سیاست‌های صنعتی هدفمند، به بزرگ‌ترین رقیب اقتصادی واشنگتن بدل شد و مازاد تجاری بیش از ۴۰۰ میلیارد دلاری آن، نشانه‌ای از تغییر توازن قدرت جهانی است (U.S. Census Bureau, 2023; Autor et al., 2016: 229-231). همچنین، نارضایتی عمومی از پیامدهای جهانی‌سازی و از دست رفتن مشاغل صنعتی، زمینه‌ساز بازگشت گفتمان‌های ملی‌گرایانه و حمایت‌گرایانه شد. از این منظر، نظم لیبرال که قرار بود ابزاری برای گسترش رفاه و ثبات جهانی باشد، به تدریج به منبع نارضایتی و بی‌اعتمادی در درون جامعه آمریکا تبدیل گردید. نتیجه این وضعیت، ظهور تناقضی بنیادین است: ایالات متحده همچنان رهبر نظم جهانی باقی مانده، اما نسبت به قواعد آن احساس نارضایتی دارد. سیاست‌های تجاری دولت ترامپ - از اعمال تعرفه‌های گسترده بر کالاهای وارداتی تا بازنگری در پیمان‌های تجاری بین‌المللی - بازتابی از تلاشی است برای بازآرایی نظم اقتصادی بر پایه منافع ملی، هرچند این رویکرد در تضاد با اصول سنتی لیبرالیسم اقتصادی قرار دارد (Ikenberry, 2018: 17-18). اگرچه با وجود کاهش نسبی سهم در تجارت جهانی، آمریکا هنوز در فناوری‌های پیشرفته و بازارهای مالی برتری دارد. شرکت‌هایی مانند اپل (ارزش بازار ۳۶۸ تریلیون دلار)، مایکروسافت (۳۶۲ تریلیون دلار) و انویدیا (۳۶۱ تریلیون دلار) - که در سال ۲۰۲۵ سه شرکت برتر جهان از نظر ارزش بازار هستند، موتورهای اصلی نوآوری جهانی محسوب می‌شوند (Statista, 2025).

^۱ هژمون در حال ستیز با نظم خوی (hegemon in conflict with its own order): ایالات متحده، به‌عنوان معمار نظم لیبرال پساجنگ، اکنون با پیامدهای نظام خودساخته‌اش درگیر است و از کاهش سهم نسبی خود در آن - علی‌رغم تداوم رهبری - نارضایتی است.

این وضعیت نشان می‌دهد که ایالات متحده، در حالی که همچنان قدرت برتر نظام اقتصادی جهانی است، با چالشی درونی مواجه شده که از دل دستاوردهای خودش برخاسته است. نظام لیبرال تجاری که روزگاری ابزار گسترش نفوذ واشنگتن بود، اکنون فشارهای رقابتی تازه‌ای را بر اقتصاد آن تحمیل کرده است. جهانی‌سازی، که قرار بود گسترش‌دهنده رفاه و قدرت آمریکا باشد، در عمل به انتقال تولید، گسترش شکاف طبقاتی و تضعیف صنایع بومی انجامیده است. نتیجه آن، شکل‌گیری نوعی دوگانگی در سیاست‌گذاری اقتصادی است؛ جایی که آرمان‌های تجارت آزاد با واقعیت‌های رقابت جهانی و نیاز به حفظ قدرت ملی در تعارض قرار گرفته‌اند.

در پاسخ به این تحولات، آمریکا در مسیر بازتعریف نقش خود در نظم جهانی گام نهاده است. اکنون تمرکز بر امنیت زنجیره تأمین، مهار رقبا در حوزه‌های فناوری پیشرفته، و تقویت اتحادیه‌های اقتصادی با شرکای منتخب، جایگزین نگاه پیشین مبتنی بر بازار آزاد و چندجانبه‌گرایی شده است. این چرخش نه تنها بیانگر دگرگونی در رویکرد اقتصادی واشنگتن است، بلکه نشانه‌ای از بازسازی مفهوم هژمونی در قرن بیست‌ویکم به‌شمار می‌رود؛ هژمونی‌ای که بیش از آنکه بر گشودگی اقتصاد جهانی تکیه داشته باشد، بر کنترل منابع، فناوری و ساختارهای قدرت تمرکز دارد. این تغییر رویکرد در عمل، به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات منجر شده که هر یک نشانه‌ای از فاصله‌گیری از اصول تجارت آزاد و چندجانبه‌گرایی است. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۳-۱- توسل به جنگ تجاری و افزایش تعرفه‌ها همراه با تحریم‌های اقتصادی و مالی

ایالات متحده از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۴ برای مقابله با کسری تجاری گسترده با چین، در چارچوب رقابت اقتصادی، جنگ تجاری را در پیش گرفت تا تولید داخلی را احیا و وابستگی به واردات را کاهش دهد. کسری تجاری ۳۷۵ میلیارد دلاری با چین در سال ۲۰۱۷ نشانه‌ای از افت رقابت‌پذیری صنعتی آمریکا بود (U.S. Census Bureau, 2018). انتقال صنایع به مناطق ارزان‌کار مانند چین، زوال صنایع سنتی در «کمر بند زنگار»^۱ و افزایش نابرابری درآمدی را در پی داشت (Autor et al., 2016: 223-227). این وضعیت، زمینه‌ساز نارضایتی اجتماعی و مطالبه برای

¹ Rust Belt

بازتعریف سیاست‌های تجاری شد (Hacker & Pierson, 2020: 45-72). در واقع، بحران هویت اقتصادی و احساس بی‌عدالتی طبقاتی در میان کارگران آمریکایی، جنگ تجاری را از سطحی فنی و اقتصادی به سطحی سیاسی و نمادین ارتقا داد. حمایت‌گرایی در این مقطع، نه صرفاً سیاستی اقتصادی، بلکه ابزاری برای ترمیم مشروعیت داخلی و بازسازی پیوند میان دولت و طبقه کارگر سفیدپوست بود. این امر نشان می‌دهد که تصمیمات تجاری، به‌ویژه در شرایط بی‌اعتمادی اجتماعی، اغلب نقش ابزاری در بازتولید انسجام ملی ایفا می‌کنند.

در سال ۲۰۱۸، دولت ترامپ با تکیه بر شعار «اول آمریکا»، تعرفه‌هایی به ارزش ۳۴ میلیارد دلار بر کالاهای چینی اعمال کرد (Swanson, 2018). این اقدامات با هدف حمایت از تولید داخلی و بازگرداندن مشاغل صورت گرفت (Lawder, 2018). با این حال، از منظر نفوذ نهادی، این سیاست‌ها به چالش کشیدن قواعد سازمان تجارت جهانی را رقم زدند و به تضعیف نهادهای چندجانبه منجر شدند؛ چراکه آمریکا از ابزارهای تعرفه‌ای به‌جای سازوکارهای داوری بین‌المللی بهره برد. چنین رویکردی، مشروعیت نظم نهادی پساجنگ جهانی دوم را زیر سؤال برد. در این سطح، ایالات متحده عملاً از جایگاه مدافع نظام تجارت آزاد به کنشگری تبدیل شد که در پی بازتعریف قواعد بازی به نفع خود بود؛ امری که موجب کاهش اعتماد سایر کشورها به کارکرد نهادهای بین‌المللی و تضعیف روح چندجانبه‌گرایی شد.

در مرحله‌ی بعد، با تشدید تنش‌ها در سال ۲۰۱۹ و افزایش تعرفه‌ها بر بیش از ۳۶۰ میلیارد دلار از کالاهای چینی (BBC, 2019)، چین نیز به اقدامات تلافی‌جویانه روی آورد. با وجود این تقابل، کسری تجاری آمریکا در سال ۲۰۲۳ هنوز ۲۷۹ میلیارد دلار بود (U.S. Census Bureau, 2023). تحلیل این روند نشان می‌دهد که رقابت اقتصادی بدون هم‌پوشانی نهادی و فناورانه، دستاورد پایداری ندارد. در غیاب هماهنگی میان سیاست تجاری و ساختار تولید جهانی، ابزار تعرفه‌ای صرفاً به بازتوزیع هزینه‌ها منجر می‌شود نه به تقویت مزیت رقابتی. به بیان دیگر، در اقتصادی که زنجیره‌های ارزش جهانی در هم تنیده‌اند، هرگونه تلاش برای استقلال کامل تولید، ناگزیر به افزایش هزینه‌ها و کاهش کارایی منتهی می‌شود.

¹ America First

در سطح فناوری، ایالات متحده از سال ۲۰۱۹ با اعمال تحریم‌های گسترده علیه شرکت‌هایی چون هواوی، زدتی‌ای و اس‌ام‌آی‌سی (DHS, 2021: 16)، کوشید تا برتری فناورانه خود را حفظ و نفوذ چین در فناوری‌های نسل جدید را محدود کند. این سیاست، اگرچه سهم بازار هواوی را کاهش داد (U.S. Department of Treasury, 2020; Kei Tse et al., 2024: 8)، اما هم‌زمان زیان‌هایی برای شرکت‌های آمریکایی مانند کوالکام و اینتل به همراه داشت که درآمدشان در بازار چین بیش از ۳۰ درصد افت کرد (West, 2022). این وضعیت نشان می‌دهد که وابستگی متقابل فناورانه، امکان پیروزی کامل در جنگ اقتصادی را از هر دو طرف سلب می‌کند. رقابت فناوری در جهان امروز، بیش از آن‌که بر انزوا استوار باشد، بر شبکه‌ای از هم‌پیوستگی‌ها و تعاملات شکل می‌گیرد. بنابراین، تلاش برای کنترل زنجیره‌های فناوری از طریق فشار و تحریم، نهایتاً موجب بازتوزیع مراکز قدرت و تسریع نوآوری‌های جایگزین در سایر کشورها می‌شود.

در واکنش، چین راهبرد خودکفایی فناورانه را با توسعه‌ی سیستم‌عامل بومی و تراشه‌های داخلی دنبال کرد (Jamshidi & Khatami, 2020: 18). این روند، همراه با تغییر در قدرت نسبی جهانی، موجب شد کشورهای دیگری مانند ژاپن و کره جنوبی نیز مسیر مشابهی در استقلال فناوری در پیش گیرند (Yatsuzuka, 2025: 6). بدین ترتیب، توازن قدرت در اقتصاد جهانی از محورهای چندجانبه به سوی ترتیبات منطقه‌ای و دوجانبه تغییر جهت داد. این تحول، نشانه گذار از نظم مبتنی بر همکاری فراگیر به نظمی رقابتی‌تر و چندقطبی‌تر است که در آن دولت‌ها به جای وابستگی متقابل، بر تاب‌آوری و کنترل داخلی تأکید دارند. چنین روندی نه تنها به تغییر مسیر سرمایه‌گذاری و تجارت منجر می‌شود، بلکه مفهوم امنیت اقتصادی را نیز بازتعریف می‌کند.

در مجموع، راهبرد ایالات متحده در بهره‌گیری هم‌زمان از رقابت اقتصادی، نفوذ نهادی، برتری فناوری و تغییر در قدرت نسبی، نه به بازسازی نظم موجود بلکه به تضعیف نهادهای چندجانبه و تسریع بازآرایی روابط تجاری جهانی شده انجامید. این دگرگونی نشان‌دهنده مرحله‌ای گذار در اقتصاد سیاسی بین‌الملل است؛ مرحله‌ای که در آن قدرت نه صرفاً در تولید کالا بلکه در کنترل دانش، فناوری و شبکه‌های نهادی متبلور می‌شود. نظمی که در حال شکل‌گیری است، بیش از هر زمان دیگر بر توان فناورانه، ظرفیت تنظیم‌گری داخلی و قدرت ائتلاف‌سازی منطقه‌ای استوار است و در نتیجه، الگوی سنتی تجارت آزاد را به چالش کشیده است.

۳-۲- بی‌اعتنایی آمریکا به رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی

در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۴، ایالات متحده با فاصله‌گیری تدریجی از سازوکار حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، روندی معکوس نسبت به اصول چندجانبه‌گرایی در تجارت بین‌الملل در پیش گرفت. رکن حل اختلاف، که از سال ۱۹۹۵ یکی از مؤثرترین ابزارهای تضمین اجرای قواعد تجارت جهانی بود (Hoekman & Mavroidis, 2020: 19)، در اثر این رفتار ایالات متحده به بحرانی بی‌سابقه دچار شد. این تحول بازتابی از تغییر در نفوذ نهادی آمریکا بود؛ کشوری که زمانی معمار اصلی این نظام به شمار می‌رفت، اما اکنون آن را مانعی در مسیر منافع ملی خود تلقی می‌کند. از منظر تحلیلی، این دگرگونی نشان‌دهنده گذار از دوران رهبری هنجاری به مرحله‌ای است که در آن قدرت‌های بزرگ، قواعد را نه برای حفظ نظم مشترک، بلکه برای دفاع از قلمرو منافع ملی خود بازتعریف می‌کنند.

ایالات متحده در دوره اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رکن استیناف را نهادی دانست که با فراتر رفتن از اختیارات خود، به بازنویسی قواعد سازمان پرداخته است (Lawder, 2018). به باور مقامات آمریکایی، این نهاد موجب تضعیف حاکمیت اقتصادی کشور و ترجیح منافع چین شده بود (Bown, 2018). در نتیجه، واشنگتن به جای اتکا بر فرآیندهای داوری چندجانبه، سیاست‌های یک‌جانبه و تلافی‌جویانه را در پیش گرفت. این اقدام صرفاً واکنشی سیاسی نبود، بلکه بخشی از راهبردی ساختاری برای بازتعریف جایگاه آمریکا در نظام جهانی محسوب می‌شد. در واقع، ایالات متحده با این رفتار، مشروعیت سازمانی را که خود در ایجاد آن نقش مرکزی داشت، به اهرم فشار تبدیل کرد تا از درون قواعدی که زمانی وضع کرده بود، عبور کند.

از سال ۲۰۱۷، آمریکا با توی انتصاب اعضای رکن استیناف، عملاً عملکرد آن را مختل کرد. این نهاد برای تداوم کارکرد خود به دست‌کم سه قاضی نیاز داشت، اما با پایان دوره خدمت آخرین اعضا در دسامبر ۲۰۱۹، عملاً فلج شد و صدها پرونده تجاری از جمله شکایات علیه تعرفه‌های آمریکا بلا تکلیف ماندند (Schneider-Petsinger, 2020).

جدول-۱. اقدامات آمریکا در خصوص رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی

سال	اقدام آمریکا	نتیجه برای رکن حل اختلاف
۲۰۱۷-۲۰۱۹	وتوی انتصاب اعضای هیئت استیناف	کاهش اعضا به زیر حد نصاب
دسامبر ۲۰۱۹	از کار افتادن کامل هیئت استیناف	فلج شدن رکن حل اختلاف
۲۰۲۰-۲۰۲۴	استمرار مخالفت با اصلاحات و انتصاب	ادامه بلاتکلیفی پرونده‌ها

(Schneider-Petsinger, 2020)

این روند نشان می‌دهد که واشنگتن آگاهانه از سازوکار نهادی برای اعمال فشار سیاسی استفاده کرد؛ نه برای اصلاح ساختار، بلکه برای بازتعریف سلسله‌مراتب قدرت در نظام تجاری جهانی. در این سطح، انسداد نهادی به عاملی برای تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ تبدیل شد؛ وضعیتی که در آن ملاحظات اقتصادی و منافع ملی عملاً بر الزامات حقوقی و سازوکارهای چندجانبه غلبه یافتند.

دولت ترامپ این انسداد را با ضرورت «اصلاحات ساختاری» توجیه کرد و مدعی شد که برخی آرای سازمان، از جمله پرونده‌های مرتبط با یارانه‌های بوئینگ و ایرباس یا رفتارهای تجاری چین، مغایر با منافع ملی ایالات متحده بوده‌اند (USTR, 2020). اگرچه انتقاد از کارآمدی نهاد مزبور در مواردی قابل درک است، اما به نظر می‌رسد این انتقادات بیش از آنکه در جهت اصلاح سازوکارهای چندجانبه باشند، در عمل تمایل آمریکا به فاصله‌گیری از نظام الزام‌آور بین‌المللی را بازتاب می‌دهند. در واقع، آمریکا به جای بازسازی قواعد، مشروعیت آن‌ها را به چالش کشید و با تضعیف یکی از ارکان کلیدی نظام تجاری جهانی، از نقش تنظیم‌گر بین‌المللی به بازیگر منفعت‌محور تبدیل شد.

تضعیف رکن حل اختلاف، بیش از همه به زیان کشورهای در حال توسعه بود. این کشورها که از ظرفیت‌های این نهاد برای دفاع از منافع خود بهره می‌بردند، اکنون در برابر اقدامات قدرت‌های بزرگ بی‌پناه ماندند (Pauwelyn, 2025: 1107-1108). در واکنش، بسیاری از دولت‌ها به توافق‌های دوجانبه و منطقه‌ای روی آوردند و تلاش کردند از طریق سازوکارهای محدودتر، منافع تجاری خود را تضمین کنند. توافقی‌هایی نظیر مشارکت جامع اقتصادی منطقه‌ای با محوریت چین و پیمان ترانس-پاسیفیک بدون حضور آمریکا (Katada, 2025: 66)، نشانه‌ای از این گذار نهادی هستند. از منظر تغییر در قدرت نسبی، این روند به معنای انتقال تدریجی مرکز ثقل نظم تجاری از غرب به شرق است؛ جایی که نهادهای منطقه‌ای به جای ساختارهای جهانی، در حال

ایفای نقش‌های جدید هستند. این تحول نه فقط یک بحران در عملکرد سازمان تجارت جهانی، بلکه نشانه‌ای از بازآرایی عمیق در هندسه قدرت اقتصادی جهان است. در مجموع، رفتار ایالات متحده نسبت به رکن حل اختلاف، بیانگر تغییر در منطق نفوذ نهادی است؛ از رهبری مبتنی بر قواعد به کنشگری مبتنی بر قدرت. این تغییر، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت منافع ملی آمریکا را تأمین کند، اما در بلندمدت مشروعیت نهادهای چندجانبه را تضعیف کرده و راه را برای شکل‌گیری نظامی چندقطبی و کمتر هماهنگ در تجارت جهانی هموار ساخته است؛ نظمی که در آن قواعد، بیش از آن‌که بر اجماع استوار باشند، بر رقابت و موازنه قدرت تکیه دارند.

۳-۳- محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و همکاری با شرکت‌های کشورهای متخاصم در حوزه فناوری‌های حساس

در دهه اخیر، ایالات متحده با هدف صیانت از امنیت ملی و مهار نفوذ راهبردی رقبایی چون چین و روسیه، مجموعه‌ای از سیاست‌های محدودکننده را در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری‌های حساس به کار گرفته است. این سیاست‌ها در ظاهر با منطق حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و جلوگیری از دسترسی کشورهای متخاصم به فناوری‌های پیشرفته توجیه شده‌اند، اما در بطن خود بازتابی از رقابت اقتصادی و ژئوتکنولوژیک میان قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شوند. از این منظر، کنترل جریان سرمایه و فناوری نه صرفاً ابزاری دفاعی، بلکه راهبردی برای حفظ برتری فناوری و اقتصادی آمریکا در نظم جهانی متحول به شمار می‌آید. حوزه‌های کلیدی تحت نظارت شامل فناوری‌های نسل پنجم، هوش مصنوعی، نیمه‌رساناها، محاسبات کوانتومی و زیست‌فناوری هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در رقابت قدرت‌ها و بازتعریف توازن جهانی دارند (DHS, 2021: 13).

یکی از ابزارهای اصلی ایالات متحده در این مسیر، کمیته سرمایه‌گذاری خارجی^۱ است که زیر نظر وزارت خزانه‌داری فعالیت می‌کند. با تصویب قانون اصلاح ریسک سرمایه‌گذاری خارجی^۲ در سال ۲۰۱۸، دامنه اختیارات این کمیته به‌طور چشمگیری افزایش یافت و بررسی معاملات مرتبط با فناوری‌های پیشرفته الزامی شد (Treasury, 2018). در نتیجه، واشنگتن به شکلی ساختاری توانست

¹ Committee on Foreign Investment in the United States (CFIUS)

² Foreign Investment Risk Review Modernization Act (FIRRMA)

مسیر سرمایه‌گذاری خارجی را در حوزه‌های حساس کنترل کند. در سال ۲۰۲۰، کمیته مذکور با استناد به نگرانی‌های امنیتی، مانع از خرید پلتفرم تیک‌تاک توسط شرکت چینی بایت‌دنس^۱ شد و دونالد ترامپ ضرب‌الاجلی برای انتقال مالکیت آن به یک شرکت آمریکایی تعیین کرد (BBC, 2020). در واقع، رویکرد سخت‌گیرانه کمیته سرمایه‌گذاری خارجی بازتابی از تغییر اولویت‌های امنیتی و اقتصادی واشنگتن در قبال سرمایه‌گذاری خارجی است. تمرکز بر فناوری‌های نوظهور، نشان‌دهنده تلاش دولت ایالات متحده برای حفظ برتری راهبردی در رقابت ژئوتکنولوژیک با چین است. این جهت‌گیری سیاستی، هم‌زمان با رشد تنش‌های ژئوپلیتیکی، به ابزاری برای اعمال قدرت در فضای اقتصادی جهانی تبدیل شده است. یعنی این اقدام نماد روشنی از تلاقی میان امنیت ملی و رقابت فناوری بود؛ جایی که منطق اقتصادی جای خود را به منطق ژئوپلیتیکی داد. چنین نگاهی، بیانگر گذار از لیبرالیسم اقتصادی به نوعی نئومرکانتیلیسم فناورانه است؛ جریانی که در آن دولت، به‌جای تسهیل تجارت آزاد، فعالانه در کنترل سرمایه، مالکیت داده و انتقال فناوری مداخله می‌کند. در این چارچوب، کمیته سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها ابزار تنظیم‌گری، بلکه سازوکار حفظ برتری فناوری و نفوذ نهادی آمریکا در ساختار اقتصاد جهانی محسوب می‌شود.

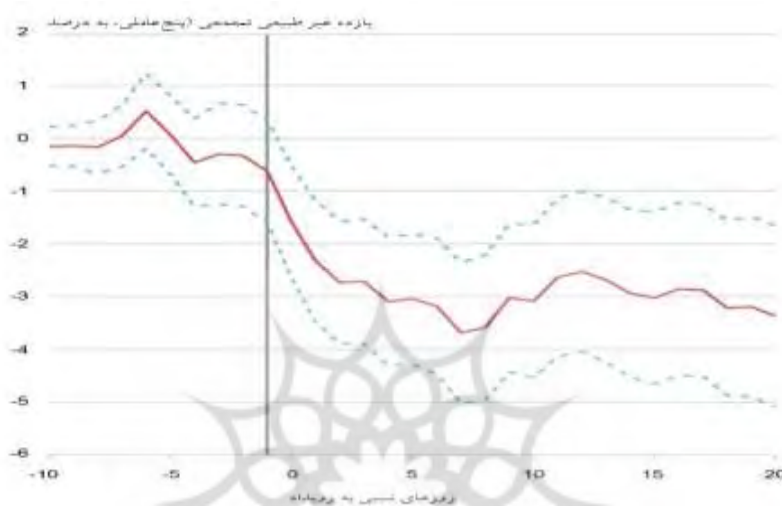
به موازات این سیاست‌ها، واشنگتن همکاری فناورانه با شرکت‌های کشورهای متخاصم را نیز به‌شدت محدود کرده است. نگرانی‌ها درباره نفوذ چین و روسیه در زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی موجب تدوین مقرراتی برای محدودسازی تعامل با شرکت‌هایی مانند هواوی و زدتی‌ای شد (Sacks, 2023). این تصمیمات در چارچوب رقابت اقتصادی و امنیتی معنا می‌یابند، زیرا فناوری‌های نوظهور به‌ویژه در حوزه شبکه نسل پنجم (5G)، نه تنها مزیت اقتصادی بلکه ابزار نفوذ ژئوپلیتیکی محسوب می‌شوند. از این منظر، برتری فناوری به‌طور مستقیم با تغییر در قدرت نسبی گره خورده است. همچنین واشنگتن با توجه به نگرانی خود از دسترسی غیرمجاز به اطلاعات حساس، جاسوسی سایبری و تضعیف زیرساخت‌های حیاتی توسط این شرکت‌ها، در سال ۲۰۱۹، قانون مجوز دفاع ملی استفاده از تجهیزات هواوی و زدتی‌ای را در پروژه‌های دولتی ممنوع کرد (NDAA, 2019: 283). وزارت بازرگانی ایالات متحده نیز با ایجاد «فهرست نهادها»، شرکت‌هایی را که تهدیدی برای امنیت ملی یا ناقض حقوق بشر شناخته می‌شدند، تحت تحریم قرار داد. قرار

¹ ByteDance

گرفتن هوای در این فهرست موجب شد این شرکت از دسترسی به فناوری‌های آمریکایی، از جمله تراشه‌های تولیدشده توسط شرکت‌هایی مانند اینتل و کوالکام، محروم شود (Zhao, Wang, & Li, 2023: 46). این تحریم‌ها علاوه بر آسیب به زنجیره تأمین چین، پیامدهایی برای شرکت‌های آمریکایی نیز به همراه داشت و نشانه‌ای از وابستگی متقابل فناوری در نظام جهانی بود. در سال ۲۰۲۴، ایالات متحده محدودیت‌های صادراتی خود را برای فناوری‌های پیشرفته مانند تراشه‌های هوش مصنوعی تشدید کرد تا مانع از پیشرفت نظامی چین شود. این سیاست‌ها در ظاهر با منطق امنیت ملی توجیه شدند، اما در عمل به تضعیف اصول تجارت آزاد و افزایش هزینه‌های تولید جهانی انجامیدند (Chen, 2023: 299). فشار واشنگتن بر متحدان اروپایی برای اتخاذ سیاست‌های مشابه با مقاومت‌هایی، به‌ویژه از سوی آلمان، روبه‌رو شد. این مقاومت، بیانگر چالش ایالات متحده در حفظ نفوذ نهادی خود در میان شرکای سنتی است؛ زیرا اختلاف میان منافع امنیتی آمریکا و منافع اقتصادی اروپا، نشانه‌ای از فرسایش اجماع در نظم لیبرال جهانی به شمار می‌رود.

از منظر اقتصادی، محدودیت‌های فناوری و سرمایه‌گذاری، نشانه‌ای از شکاف در نظم تجاری لیبرال و گسترش حمایت‌گرایی ساختاری است. مطابق تحلیل کروسینگانی و ماکیاولی، این سیاست‌ها در قالب تحریم‌های صادراتی و کنترل‌های فناورانه، شکاف‌های عمیقی در نظام تجارت جهانی ایجاد کرده‌اند و برخلاف اصول رقابت آزاد، با هدف مهار رقبا طراحی شده‌اند (Crosignani et al., 2024). واکنش منفی بازارهای مالی به تحریم‌های صادراتی نیز گواهی بر این مدعاست؛ چراکه ارزش سهام شرکت‌های تأمین‌کننده آمریکایی پس از اعمال محدودیت‌ها کاهش یافت. این واکنش، نشان‌دهنده ناهمخوانی میان منطق سیاسی تصمیم‌گیرندگان و منطق بازار آزاد است. در واقع، سیاست‌های محدودکننده‌ای که با هدف تثبیت قدرت اقتصادی طراحی شده بودند، به طور موقت موجب تضعیف خودِ بازیگران اقتصادی داخلی شدند.

شکل-۲. واکنش منفی سهام تأمین‌کنندگان آمریکایی پس از اعمال محدودیت‌های صادراتی



این نمودار واکنش منفی بازار نسبت به تحریم‌های صادراتی ایالات متحده را نشان می‌دهد. خط قرمز نشان‌دهنده تغییرات منفی شاخص سهام در روزهای پس از تحریم است، در حالی که خطوط آبی نشان‌دهنده نوسانات و کاهش بیشتر آن است. به طور کلی، پس از اعلام تحریم‌ها، واکنش بازار منفی بوده و شاخص‌ها کاهش یافته است. به طور دقیق‌تر، پس از وضع مقررات کنترلی برای صادرات (مثلاً تحریم علیه کشور یا شرکت خاصی)، ارزش سهام شرکت‌های تأمین‌کننده آمریکایی کاهش یافته یا بازار نسبت به آن‌ها واکنش منفی نشان داده است. این می‌تواند ناشی از نگرانی بازار نسبت به کاهش درآمد یا کاهش سهم بازار آن شرکت‌ها باشد (Crosignani et al., 2024).

چین در واکنش به این تحریم‌ها و محدودیت‌ها، مسیر مشابهی را در پیش گرفت. در سال ۲۰۲۴، کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین به شرکت‌های داخلی دستور داد تا روند سرمایه‌گذاری در آمریکا را متوقف کنند (Bloomberg, 2025). این تصمیم، نه تنها تلافی اقتصادی، بلکه استفاده راهبردی از سرمایه به‌عنوان ابزار فشار ژئوپلیتیکی بود. در نتیجه،

سرمایه‌گذاری متقابل میان دو کشور کاهش یافت و روابط اقتصادی آن‌ها از چارچوب همکاری به حوزه رقابت ساختاری انتقال پیدا کرد. از این منظر، سرمایه‌گذاری خارجی به ابزاری در خدمت رقابت قدرت‌ها تبدیل شد؛ جایی که معیار تصمیم‌گیری دیگر صرفاً سود اقتصادی، بلکه قدرت ملی و امنیت فناورانه است. در مجموع، سیاست‌های محدودکننده ایالات متحده در حوزه سرمایه‌گذاری و فناوری، بیانگر گذار از منطق تجارت آزاد به رقابت ژئواکونومیک است. واشنگتن با تکیه بر رقابت اقتصادی، برتری فناورانه و نفوذ نهادی، می‌کوشد قواعد تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی را بر اساس منافع ملی بازتعریف کند. این روند حاصل رقابت بر سر فناوری‌های پیشرفته، تغییر در موازنه قدرت و کاهش همکاری چندجانبه است. در نتیجه، ملاحظات امنیتی و فناورانه جایگزین اصول بازار آزاد شده و جهت‌گیری نئومرکانتیلیستی آمریکا به تضعیف نهادهای چندجانبه و بازآرایی نظم تجاری جهانی انجامیده است.

۳-۴- تلاش برای بلوک‌بندی اقتصادی و فناوری با کشورهای شریک

سیاست‌های ایالات متحده در سال‌های اخیر، به‌ویژه از ۲۰۱۷ به بعد، بازتابی از تغییر بنیادین در منطق قدرت اقتصادی و فناورانه این کشور است. واشنگتن در چارچوب رقابت ژئواکونومیک فزاینده با چین، راهبردی را برگزیده که هدف آن، شکل‌دهی به بلوک‌های اقتصادی و فناوری هم‌سو با منافع غرب و کاهش وابستگی متقابل به رقبای ژئوپلیتیکی است (Hudson, 2023: 6-8). این رویکرد بر پیوند میان اقتصاد، امنیت و فناوری استوار است و نشان می‌دهد که رقابت اقتصادی، دیگر صرفاً در عرصه تولید یا تجارت کالا جریان ندارد، بلکه در قالب شبکه‌های فناوری، داده و استانداردهای جهانی بازتعریف شده است. چین نیز در واکنش به این سیاست‌ها، درصدد جبران شکاف فناورانه و تحکیم موقعیت خود در زنجیره‌های ارزش جهانی برآمده است (Salehi et al., 2024: 613). این دوگانگی، نظم اقتصاد جهانی را به سوی نوعی دوقطبی فناورانه سوق داده است؛ نظمی که در آن، کنترل فناوری و زیرساخت‌های حیاتی، تعیین‌کننده موقعیت کشورها در نظام بین‌الملل است (ghorbani, 2020: 149).

در سطح ساختاری، ایالات متحده تلاش می‌کند از طریق سه محور مکمل، بلوک اقتصادی و فناورانه جدیدی را در برابر چین سازمان دهد. محور نخست، مقابله با رشد فناوری چین در حوزه‌هایی نظیر هوش مصنوعی، شبکه‌های نسل پنجم و نیمه‌رساناهاست؛ حوزه‌هایی که آینده

امنیت و اقتصاد جهانی را رقم می‌زنند. محور دوم، بازسازی زنجیره‌های تأمین جهانی پس از همه‌گیری کرونا و کاهش وابستگی به تولید چین است؛ اقدامی که در چارچوب سیاست «دوست‌سازی زنجیره‌های تأمین»^۱ معنا می‌یابد (Cagri Gurbuz et al., 2023: 4). محور سوم، تقویت همکاری فناوریانه با متحدان و تدوین استانداردهای جهانی است که بتواند فضای رقابت را به نفع غرب بازتعریف کند (U.S.-China Economic and Security Review Commission, 2023: 563). بدین ترتیب، بلوک فناوریانه مورد نظر ایالات متحده نه صرفاً ساختاری اقتصادی، بلکه نظامی سیاسی و امنیتی است که با ارزش‌های لیبرال و الزامات نئومرکانتیلیستی هم‌زمان تغذیه می‌شود.

در این مسیر، یکی از ابتکارات شاخص واشنگتن، «چارچوب اقتصادی هند- اقیانوس آرام برای شکوفایی»^۲ است که در سال ۲۰۲۲ با مشارکت ۱۴ کشور از جمله ژاپن، کره جنوبی، هند و استرالیا آغاز شد. این چارچوب، برخلاف الگوهای سنتی تجارت آزاد، نه بر کاهش تعرفه‌ها، بلکه بر ایجاد هم‌پیوستگی فناوریانه و امنیتی میان اقتصادهای هم‌سو تمرکز دارد. همکاری در حوزه‌هایی چون تجارت دیجیتال، انرژی پاک و زنجیره‌های تأمین، با هدف کاهش وابستگی به چین و افزایش تاب‌آوری اقتصادی منطقه طراحی شده است (USTR, 2022). در نتیجه اجرای این برنامه، ظرفیت تولید نیمه‌رساناها و فناوری‌های پیشرفته ۱۵ درصد افزایش یافته و شبکه‌ای از تولید و نوآوری تحت هدایت شرکت‌ها و نهادهای آمریکایی شکل گرفته است (USTR, 2025). از منظر رقابت اقتصادی، ابتکار هند- اقیانوس آرام تلاشی هدفمند برای بازتوزیع جغرافیای تولید جهانی است؛ تلاشی که طی آن ایالات متحده می‌کوشد بخشی از زنجیره‌های ارزش را از چین به کشورهای هم‌پیمان و قابل اعتماد منتقل کند تا وابستگی متقابل اقتصادی را به نفع خود بازتعریف کند. این جابه‌جایی، علاوه بر تغییر در توازن تولید جهانی، مسیر سرمایه، فناوری و نیروی انسانی متخصص را نیز دگرگون می‌سازد. در این چارچوب، واشنگتن با سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و تعیین استانداردهای فنی، در پی تثبیت نقش رهبری خود در حوزه‌های کلیدی فناوری است. به این ترتیب، این چارچوب صرفاً توافقی اقتصادی نیست، بلکه بازتابی از گذار جهانی از منطق بازار آزاد به نظم فناوریانه و امنیت‌محور جدید به شمار می‌آید.

¹ friend-shoring

² Indo-Pacific Economic Framework for Prosperity (IPEF)

در کنار آن، «ابتکار شراکت برای زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری جهانی»^۱ که در اجلاس گروه هفت در سال ۲۰۲۱ معرفی شد، بخش دیگری از این راهبرد کلان است. بودجه‌ای ۶۰۰ میلیارد دلاری برای توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، انرژی پاک و شبکه‌های ارتباطی در کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۷ در نظر گرفته شده است (The White House, 2022). این طرح عملاً پاسخ غرب به ابتکار «کمربند و جاده» چین است و تلاش دارد نفوذ اقتصادی پکن در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را مهار کند. طبق گزارش‌های گروه هفت و کاخ سفید، تا سال ۲۰۲۴ بیش از ۴۵ درصد سرمایه‌گذاری‌های این طرح به حوزه‌های فناوری سبز و دیجیتال اختصاص یافته است (G7 Italy, 2024; The White House, 2022). در این چارچوب، نقش نهادهایی مانند بانک جهانی و شرکت توسعه مالی آمریکا در تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی و تنظیم معیارهای سرمایه‌گذاری پررنگ‌تر شده است. سازوکارهای این نهادها، از طریق وام‌دهی، تضمین سرمایه‌گذاری و تعیین استانداردهای فنی، عملاً جهت حرکت سرمایه جهانی را به سوی کشورهایی با هم‌سویی اقتصادی و نهادی بیشتر سوق می‌دهند. این روند به‌طور غیرمستقیم موجب تقویت جایگاه اقتصادی کشورهای غربی در ساختار مالی بین‌المللی شده و سازوکارهای مالی را به ابزارهایی نرم برای حفظ توازن قدرت در رقابت ژئواقتصادی بدل می‌کند.

جدول-۲. توزیع سرمایه‌گذاری‌های ابتکار شراکت برای زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری جهانی بر اساس مناطق (۲۰۲۱-۲۰۲۴) - خلاصه‌ای مفهومی از گزارش‌های کاخ سفید و گروه هفت ایتالیا

منطقه جغرافیایی	کشورها/ پروژه‌ها	نوع تأمین مالی / نهادهای مشارکت‌کننده	حوزه‌های کلیدی
آفریقا	کنیا، آنگولا، زامبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو	شرکت مالی توسعه آمریکا (DFC)، بانک جهانی، USAID، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و دولتی ترکیبی	انرژی تجدیدپذیر، حمل‌ونقل، سلامت، زیرساخت دیجیتال
آسیا-اقیانوسیه	فیلیپین، تایلند، اندونزی، بنگلادش	همکاری با DFC، دولت ژاپن (JICA)، سرمایه‌گذاری‌های مشترک با شرکت‌های محلی و G7	حمل‌ونقل پاک، زیرساخت دیجیتال، انرژی پاک

¹ Partnership for Global Infrastructure and Investment (PGII)

² U.S. International Development Finance Corporation (DFC)

فناوری سبز، حمل‌ونقل، انرژی‌های پایدار	همکاری میان بانک توسعه آمریکا، G7 و شراکت‌های بخش خصوصی	برزیل، کلمبیا	آمریکای لاتین
امنیت سایبری، انرژی پاک، زیرساخت دیجیتال	صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی (مانند PIF عربستان)، همکاری فنی با اروپا و ایالات متحده	امارات، عربستان سعودی	خاورمیانه

(The White House, 2024; G7 Italy, 2024)

در سطح اروپا نیز، «شورای تجارت و فناوری آمریکا- اتحادیه اروپا»^۱ که از سال ۲۰۲۱ فعال است، نماد همکاری فناورانه میان دو سوی آتلانتیک محسوب می‌شود. این شورا با هدف تدوین استانداردهای مشترک برای فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و نسل ششم مخابراتی تأسیس شد و در سال ۲۰۲۴ توافق‌نامه‌ای برای ایجاد چارچوب مشترک امنیت سایبری به امضا رساند (Atlantic Council, 2024). این نهادسازی فناورانه را می‌توان نشانه‌ای از برتری فناوری و نفوذ نهادی آمریکا دانست که با انتقال قدرت نرم از سطح اقتصادی به سطح تنظیم‌گری فناورانه همراه است. چنین فرایندی، امکان کنترل قواعد فنی و استانداردهای جهانی را برای آمریکا فراهم می‌کند؛ امری که در بلندمدت حتی از مزیت تولیدی نیز تعیین‌کننده‌تر است. در واقع، تسلط بر چارچوب‌های مقرراتی و زیرساخت‌های دیجیتال جهانی، به ایالات متحده این امکان را می‌دهد که مسیر تحول فناوری و الگوهای رقابت در اقتصاد جهانی را به صورت ساختاری هدایت کند.

به موازات این تلاش‌ها، اتحادیه‌هایی چون کوآد^۲ و آکوس^۳، که ترکیبی از همکاری نظامی و فناورانه‌اند، به بسترهایی برای اشتراک دانش در زمینه هوش مصنوعی، امنیت سایبری و محاسبات کوانتومی بدل شده‌اند (Goodman & Nishino, 2022). این همکاری‌ها بیانگر همگرایی امنیتی- فناورانه‌ای هستند که در آن فناوری به متغیری ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. به عنوان نمونه، صادرات نیمه‌رساناهای آمریکایی به چین از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ به شدت کاهش یافته و در ۲۰۲۵ نیز این روند ادامه دارد (Center for Strategic and International Studies, 2025). کاهش این وابستگی، همزمان با انتقال زنجیره‌های تأمین به کشورهای چین و هند و مکزیک، از منظر تغییر در

^۱ EU-US Trade and Technology Council

^۲ Quad

^۳ AUKUS

قدرت نسبی بیانگر تلاش آمریکا برای بازآرایی جغرافیای صنعتی و مهار تمرکز تولید در شرق آسیاست (MacroTrends, 2024a).

جدول-۳. روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در چین و هند (۲۰۲۰-۲۰۲۳)

سال	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هند (میلیارد دلار)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین (میلیارد دلار)
۲۰۲۰	۶۴,۳۶	۲۵۳,۱۰
۲۰۲۱	۴۴,۷۳	۳۴۴,۰۷
۲۰۲۲	۴۹,۹۴	۱۹۰,۲۰
۲۰۲۳	۲۸,۰۷	۴۲,۷۳

(MacroTrends, 2024a; 2024b)

در سطح مفهومی، این بلوک‌بندی‌ها تنها ائتلاف‌های اقتصادی نیستند؛ بلکه نوعی بازتعریف نظم جهانی بر اساس فناوری و امنیت به شمار می‌آیند. ایالات متحده با تأکید بر استانداردسازی بین‌المللی فناوری (The Strategist, 2022)، کوشیده است از مسیر نهادسازی فنی، سلطه چین بر نهادهای تنظیم‌گر بین‌المللی را مهار کند. این جهت‌گیری موجب انتقال مرکز ثقل سیاست بین‌الملل از همکاری چندجانبه به ترتیبات منطقه‌ای و ائتلافی شده است. از این منظر، فناوری به ابزاری برای نفوذ نهادی و بازتولید قدرت اقتصادی تبدیل شده است.

با وجود دستاوردهای این سیاست‌ها در کاهش وابستگی فناورانه به چین، چالش‌های مهمی نیز وجود دارد: افزایش هزینه‌های تولید، کاهش سودآوری شرکت‌های فراملی، اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی (Chandak, 2025) و تردید برخی شرکای آسیایی مانند مالزی و تایلند نسبت به هم‌سویی کامل با واشنگتن. از منظر اقتصاد سیاسی جهانی، رقابت اقتصادی بدون هم‌افزایی در ساختارهای نهادی و زنجیره‌های فناوری، نمی‌تواند به برتری پایدار منجر شود؛ زیرا کشورها حتی در اوج رقابت، به شبکه‌های یکپارچه تولید و جریان سرمایه وابسته‌اند. در مجموع، بلوک‌بندی اقتصادی و فناورانه ایالات متحده را می‌توان تبلور گذار از منطق لیبرال تجارت آزاد به منطق نئومرکانتیلیستی قدرت دانست. واشنگتن با اتکا بر رقابت اقتصادی، برتری فناوری، نفوذ نهادی و بهره‌گیری از تغییر در موازنه قدرت جهانی، کوشیده است قواعد بازی در اقتصاد بین‌الملل را بازنویسی کند. اما این جهت‌گیری به جای بازسازی نظم موجود، عملاً به تضعیف نهادهای

چندجانبه و تسریع بازآرایی روابط تجاری جهانی شده انجامیده است؛ نظمی که اکنون بیش از هر زمان دیگر، متکی بر فناوری، امنیت و قدرت‌های منطقه‌ای در حال ظهور است.

۴- پیامدهای جنگ تجاری آمریکا و چین بر ایران

جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین که از سال ۲۰۱۸ شدت گرفت، تنها محدود به مناسبات دوجانبه این دو قدرت اقتصادی نماند، بلکه بازتاب‌هایی گسترده در نظام بین‌الملل ایجاد کرد. برای کشوری مانند ایران که از یک سو تحت فشار تحریم‌های گسترده آمریکا قرار دارد و از سوی دیگر روابط راهبردی و اقتصادی نزدیکی با چین دارد، این تقابل اقتصادی پیامدهای خاصی به همراه داشته است. چین به‌ویژه در حوزه‌هایی چون انرژی و زیرساخت، یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به شمار می‌رود. از این رو، تنش اقتصادی میان واشنگتن و پکن می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر سطح مبادلات، سرمایه‌گذاری‌ها و چشم‌انداز همکاری‌های بلندمدت میان تهران و پکن اثرگذار باشد (Ghaffarzadeh et al., 2025: 49-50). فراتر از سطح روابط دوجانبه، تضعیف نظم تجارت جهانی و شکل‌گیری بلوک‌های جدید اقتصادی در پی تشدید رقابت میان آمریکا و چین، می‌تواند جایگاه ایران را در معادلات ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه‌ای و جهانی دگرگون سازد. این تحولات دوگانه، در قالب فرصت یا تهدید، ایران را ناگزیر می‌سازد که درک دقیقی از پیامدهای این جنگ اقتصادی داشته باشد تا بتواند استراتژی مناسبی برای بهره‌برداری از مزایا و کاهش آسیب‌ها طراحی کند.

در بعد اقتصادی، فرصت‌هایی برای ایران پدید آمده است. با کاهش حضور شرکت‌های غربی در بازار چین، فضای بیشتری برای شرکت‌های ایرانی در صادرات کالاهایی چون پتروشیمی، محصولات کشاورزی و مواد معدنی فراهم شده است (Roush, 2025). چین نیز در پی متنوع‌سازی واردات خود، به کشورهایی مانند ایران توجه بیشتری نشان می‌دهد. در مقابل، رکود حاصل از جنگ تجاری می‌تواند بر قیمت جهانی نفت اثر منفی بگذارد و درآمدهای ارزی ایران را که به شدت به صادرات نفت وابسته است، کاهش دهد. همچنین، اختلال در زنجیره تأمین جهانی

ممکن است موجب دشواری در تأمین کالاهای واسطه‌ای از چین شود. علاوه بر این، فشارهای آمریکا ممکن است باعث شود چین در همکاری با ایران جانب احتیاط بیشتری را در پیش بگیرد، به‌ویژه در پروژه‌های حساس سرمایه‌گذاری یا انتقال فناوری که ممکن است واکنش آمریکا را برانگیزد.

از منظر ژئوپلیتیکی نیز جنگ تجاری موجب نزدیکی بیشتر ایران و چین شده است. چین برای تقویت نفوذ خود در غرب آسیا، همکاری بلندمدتی را با ایران در قالب سند ۲۵ ساله آغاز کرده و در صدد بهره‌برداری از خلأ حضور غرب در منطقه است (Fulton, 2022). با این حال، نزدیکی بیش از حد ایران به چین ممکن است موجب نگرانی برخی بازیگران منطقه‌ای شود و قدرت مانور ایران در عرصه بین‌المللی را محدود کند. از سوی دیگر، کاهش رشد اقتصادی چین و افت تقاضای جهانی برای انرژی نیز می‌تواند بازار نفت را دچار رکود کرده و درآمدهای ایران را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد.

در چنین شرایطی، دو سناریو برای ایران قابل پیش‌بینی است. در سناریوی مثبت، ایران می‌تواند با شناسایی ظرفیت‌های همکاری با شرکت‌های چینی آسیب‌دیده از جنگ تجاری، زمینه‌ساز توسعه مناسبات دوجانبه در قالب‌هایی چون مناطق آزاد مشترک، پروژه‌های زیربنایی و گسترش همکاری‌های لجستیکی شود. در مقابل، در سناریوی منفی، در صورت افزایش فشارهای آمریکا، چین ممکن است سطح تعاملات خود با ایران را کاهش دهد تا روابط خود با غرب را حفظ کند. در این وضعیت، ایران ناگزیر است با تقویت روابط با کشورهای عضو بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای، از وابستگی بیش از حد به چین کاسته و وزن دیپلماتیک خود را افزایش دهد.

در نهایت، جنگ تجاری آمریکا و چین را باید یک تحول ساختاری و ماندگار در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل دانست که کشورهایی مانند ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ایران، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه، منابع انرژی گسترده و ارتباط راهبردی با چین، هم در معرض فرصت‌های جدید و هم تهدیدهای پیچیده قرار دارد. موفقیت ایران در این وضعیت، وابسته به رویکردی فعال، متنوع‌سازی شرکای تجاری، بهره‌برداری هوشمندانه از تحولات ژئواکونومیک، و در عین حال، حفظ هوشیاری نسبت به مخاطراتی چون کاهش قیمت نفت و اختلال در زنجیره‌های

تأمین است. تنها در این صورت است که می‌توان از این بحران جهانی، فرصت‌های واقعی برای رشد و ثبات ملی استخراج کرد.

نتیجه‌گیری

در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، روابط چین و آمریکا دچار تنش‌های فزاینده‌ای شده که بیشتر بر محور مناقشات تجاری و فناوری شکل گرفته است. با این حال، با عنایت به این که این دو قدرت عمده اقتصادی، حدود یک سوم اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهند، طبیعی است تنش و رقابت در مناسبات آن‌ها، به روابط دوجانبه محدود نماند و نظم تجاری بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به روی کار آمدن مجدد دولت ترامپ، انتظار می‌رود ماهیت رقابتی روابط آمریکا و چین همچنان ادامه پیدا کند و حتی تشدید شود؛ اگرچه دولت بایدن نیز به رقابت با چین ادامه داد. از این رو می‌توان گفت این شرایط زمینه را برای تغییر اساسی در نظم تجاری بین‌المللی فراهم کرده است. این نظم جدید، که از دل جنگ تجاری، محدودیت‌های فناوری و تضعیف نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی برخاسته، با افزایش حمایت‌گرایی، قطعه‌بندی بازارها و کاهش چندجانبه‌گرایی مشخص می‌شود. این تحولات، همراه با تغییر مسیرهای تجاری و بازاریابی زنجیره‌های تأمین، نشان‌دهنده گذار از یک سیستم تجارت جهانی یکپارچه به ساختاری قطبی شده و رقابتی است که پیامدهای عمیقی برای همکاری اقتصادی و ثبات ژئوپلیتیکی دارد.

نکته قابل توجه در این میان، این است که رقابتی شدن روابط آمریکا و چین در حوزه‌های تجاری و فن‌آوری، به واسطه تضعیف سازمان تجارت جهانی به عنوان رکن اصلی تجارت چندجانبه در جهان، دیگر کشورها را نیز بر آن داشته است تا به جای ملاحظه قواعد و رویه‌های تجارت جهانی، تصمیم‌گیری‌های ملی و دوجانبه را در اولویت قرار دهند. از این رو می‌توان گفت نظم جدید با خطر قطعه‌بندی بازار جهانی به بلوک‌های همسو با آمریکا و چین روبرو شده است و این موضوع به ویژه در حوزه فن‌آوری‌های برتر پدیدار شده است. این شیوه بلوک‌بندی شدن تجارت، می‌تواند به بروز استانداردهای رقابتی و رژیم‌های تجاری متفاوت با رژیم تجارت چندجانبه منجر گردد. این تحول به نوبه خود می‌تواند خطر کاهش همکاری‌پذیری، کند شدن نوآوری جهانی و پیچیدگی بیشتر زنجیره‌های تأمین را به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، تغییر

در زنجیره های تأمین جهانی، اگرچه می تواند فرصت های جدیدی را برای برخی کشورها فراهم کند، اما همزمان خطر کاهش کارایی زنجیره های تأمین و افزایش هزینه های لجستیک را به همراه دارد. همه این گزاره ها بدین معناست که رقابتی شدن روابط آمریکا و چین، در حال تضعیف بنیادهای نظم لیبرال چندجانبه است و به واسطه آن شرایط نوینی در حال شکل گیری است که بیشتر با رویکردهای حمایت گرایانه در حوزه های تجارت و فن آوری همراه است.

نکته ای دیگر که باید به آن توجه داشت این است که جنگ تجاری میان چین و آمریکا، برخلاف تصور اولیه که ممکن بود آن را صرفاً یک پروژه مقطعی در دوران ریاست جمهوری ترامپ بدانیم، در واقع یک روند بلندمدت و ساختاری (پروسه) است. شواهد نشان می دهد که رقابت با چین، به یک راهبرد پایدار و مشترک در سیاست خارجی و اقتصادی ایالات متحده تبدیل شده و حتی با روی کار آمدن دولت بایدن، نه تنها کاهش نیافته بلکه در حوزه هایی مانند فناوری، صادرات، سرمایه گذاری و امنیت زنجیره تأمین تشدید نیز شد. این رقابت، مبتنی بر نگرانی های عمیق آمریکا از رشد سریع اقتصادی، فناورانه و ژئوپلیتیکی چین است که نظم موجود جهانی را به چالش می کشد. از سوی دیگر، این وضعیت موجب تغییرات عمده ای در نظم تجاری بین المللی شده است. ضعف نهادهای بین المللی مانند سازمان تجارت جهانی و تمایل قدرت ها به اتخاذ تصمیمات یک جانبه و دوجانبه، به تکه تکه شدن بازار جهانی و شکل گیری بلوک های تجاری همسو با چین یا آمریکا انجامیده است. این تحول در کنار بازآرایی زنجیره های تأمین جهانی، نشانه ای از گذار به نظمی قطبی و رقابتی است که همکاری اقتصادی بین المللی را دشوارتر و پرهزینه تر می کند.

در چنین شرایطی، کشورهای دیگر بسته به جایگاه اقتصادی و ظرفیت سیاست گذاری خود، می توانند این وضعیت را به عنوان فرصت یا تهدید تجربه کنند. ایران به دلیل جایگاه ژئوپلیتیکی، منابع انرژی و روابط نزدیک اقتصادی با چین، در معرض فرصت ها و چالش های جنگ تجاری قرار دارد. اتخاذ سیاستی فعال در حوزه خارجی و اقتصادی، تمرکز بر گسترش شرکای تجاری و کشف فرصت های جدید همکاری با چین و دیگر کشورها می تواند ایران را برای بهره مندی از تحولات آینده آماده کند. در عین حال، هوشیاری نسبت به تبعات منفی نظیر افت قیمت و صادرات نفت و محدودیت های فنی برای حفظ منافع ملی و ثبات اقتصادی کشور حیاتی است. در

نتیجه، بهره‌برداری از فرصت‌ها و کاهش تهدیدها در این نظم جدید، مستلزم سیاست‌گذاری فعال، تنوع‌شکای تجاری، و ارتقاء زیرساخت‌های فناورانه و صنعتی است.

Translated References to English

- ahmadian, G., Rostami, F., cheraghi, H.R. (2019). The Effects of China's Economic Growth on Strengthening US Protectionism. *World Politics*, 8(1), 33-62. [in Persian]
- Ahmadinejad, H. (2022). China's role in the post-Corona order: Entering the third stage of the power cycle. *American Strategic Studies*, 2(4), 49-74. [in Persian]
- Atlantic Council. (2024). Navigating the US-PRC tech competition in the Global South. Retrieved from <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/report/navigating-the-us-prc-tech-competition-in-the-global-south/>
- Autor, D.H., Dorn, D., & Hanson, G.H. (2016). The China Shock: Learning from Labor-Market Adjustment to Large Changes in Trade. *Annual Review of Economics*, 8, 205-240.
- Bagheri Dolatabadi, A. (2024). The decline of the United States and the rise of China: An assessment based on traditional and technological indicators of power. *American Strategic Studies*, 4(4), 69-105. [in Persian]
- Balaam, D.N., & West, M. (2018). Introduction to international political economy (A. Saei & A. M. Seifi, Trans.). Ghomes Publishing. [in Persian]
- BBC. (2019). US-China Trade War: What Are the Tariffs and Why Do They Matter?. Retrieved from <https://www.bbc.com/news/business-45899310>.
- BBC. (2020). Trump Gives TikTok 45 Days to Sell to a U.S. Company.
- Bloomberg. (2025). China Restricts Companies From Investing in US as Tensions Rise. *Bloomberg News*, April 2.
- Bown, C.P. (2018). Trump's steel and aluminum tariffs are counterproductive. Here are 5 more things you need to know. Peterson Institute for International Economics. <https://www.piie.com/blogs/trade-and-investment-policy-watch/trumps-steel-and-aluminum-tariffs-are-counterproductive>.
- Cagri Gurbuz, M., Yurt, O., Ozdemir, S., Sena, V. (2023). Global supply chains risks and COVID-19: Supply chain structure as a mitigating strategy for small and medium-sized enterprises, *Journal of Business Research* Volume 155, Part B, January 2023, 113407.
- Cartwright, M. (2024). Embedded hegemony and the evolution of the United States' structural power. *International Relations*, 38(4), 452-472.
- Center for Strategic and International Studies. (2025). *The Limits of Chip Export Controls in Meeting the China Challenge*. Retrieved from <https://www.csis.org/analysis/limits-chip-export-controls-meeting-china-challenge>(CSIS).
- Chandak, A. (2025). Impact analysis of U.S. 25% tariff on semiconductors. *CXO Today*. <https://cxotoday.com/cxo-bytes/impact-analysis-of-u-s-25-tariff-on-semiconductors>.

- Chen, L. (2023). Behind the Huawei sanction: national security, ideological prejudices, or something else. *AI & Society*.
- Crosignani, M., Han, L., Macchiavielli, M., & Silva, A.F. (2024). The anatomy of export controls. *Liberty Street Economics*.
- Daraj, H. (2024). A comparative analysis of Trump and Biden's foreign policies with emphasis on Iran and China (2016–2024). *American Strategic Studies*, 4(2), 147–178. [in Persian]
- Fulton, J. (2022). The China–Iran comprehensive strategic partnership: A tale of two regional security complexes. Retrieved from https://www.researchgate.net/publication/358494401_THE_CHINA-IRAN_COMPREHENSIVE_STRATEGIC_PARTNERSHIP_A_TALE_OF_TWO_REGIONAL_SECURITY_COMPLEXES
- G7 Italy. (2024). *Annex I: G7 PGII Factsheet 2024*. Retrieved from <https://www.g7italy.it/wp-content/uploads/ANNEX-I-G7-PGII-Factsheet-2024.pdf>
- Ghaffarzadeh, L., Barzegar, K., and Tavassoli Roknabadi, M. (2025). United States and China's Trade War: The Effects on Iran-China Relations. *International Relations Researches*, 14(4), 31-61. [in Persian]
- Ghaffarzadeh, M., Shafiei, N., & Vosoughi, S. (2024). The return of great power competition: The U.S.–China techno-commercial confrontation. *American Strategic Studies*, 4(3), 67–94. [in Persian]
- ghorbani, M. (2020). US-China trade war: its causes and impacts. *Strategic Studies of public policy*, 10(35), 134-154. [in Persian]
- Goodman, M.P., & Nishino, J. (2022). Will the Strengthening the Quad Act work? Center for Strategic and International Studies (CSIS). <https://www.csis.org/analysis/will-strengthening-quad-act-work>
- Jamshidi, M. and Khatami, H. (2020). THE ROLE OF THE "ONE BELT-ONE ROAD" INITIATIVE IN CHINA'S NEW ECONOMIC ORDER. *POLITICAL QUARTERLY*, 50(1), 1-20. [in Persian]
- Hacker, J.S., & Pierson, P. (2020). *Let them eat tweets: How the right rules in an age of extreme inequality*. Liveright Publishing.
- Hillman, J. (2019). *Reforming the WTO: U.S. perspectives on the dispute settlement system*. Council on Foreign Relations. <https://www.cfr.org/report/reset-world-trade-organizations-appellate-body>
- Hoekman, B & Mavroidis, P.C. (2020). Preventing the Bad from Getting Worse: The End of the World (Trade Organization) As We Know It?, European University Institute, Robert Schuman Centre For Advanced Studied, Global Governance Programme Working Paper No. RSCAS 2020/06 (2020). Available at: https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/2606
- Hudson, W. M. (2023). *Evolving US Economic Strategic Approaches to China*. Wilson Center. <https://www.wilsoncenter.org/publication/evolving-us-economic-strategic-approaches-china>
- Ikenberry, G.J. (2018). The End of Liberal International Order? *International Affairs*, 94(1), 7-23.
- IMF. (2024). Transcript of Press Briefing on China Article IV Consultation. Retrieved from <https://www.imf.org/en/News/Articles/2024/05/30/tr052924-Transcript-of-Press-Briefing-On-China-Article-IV-Consultation>.

- Iyoha, E., Malesky, E., Wen, J., & Wu, S. (2025). *Exports in Disguise?: Trade Rerouting during the US-China Trade War*. Harvard Business School Working Paper No. 24-072. Retrieved from <https://www.hbs.edu/ris/download.aspx?name=24072.pdf>.
- Jafari, A., & Rasoulpour, S. (2022). Assessing the possibility of power transition in the South China Sea: China's rise against U.S. hegemony. *American Strategic Studies*, 2(3), 49-80. [in Persian]
- Katada, S.N. (2025). The Rise of Plurilateral Trade Agreements and the Future of Trade in the Indo-Pacific. *Asia Policy*, 20(2), 64-76. Retrieved from <https://www.nbr.org/publication/the-rise-of-plurilateral-trade-agreements-and-the-future-of-trade-in-the-indo-pacific/>.
- Kei Tse, Y., Dong, K., Sun, R., Mason, R. (2024). Recovering from geopolitical risk: An event study of Huawei's semiconductor supply chain. *International Journal of Production Economics*. Volume 275, September 2024, 109347.
- Kuo, M. (2023). Friendshoring and the persistent reliance on Chinese supply chains. *Journal of Global Trade*, 12(3), 89-104.
- Larson, T., & Skidmore, D. (1997). *International political economy: The pursuit of power and wealth* (A. Saei & M. Taghavi, Trans.). Ghomes Publishing. [in Persian]
- Lawder, D. (2018). U.S. Trade Representative Lighthizer Defends Tariff Strategy. Reuters. Retrieved from <https://www.reuters.com/article/us-usa-trade-lighthizer>.
- Li Xing, Cristiano R. Nascimento. (2021). *The Belt and Road Initiative in South-South cooperation: Impacts on global trade and geopolitics*. Palgrave Macmillan.
- MacroTrends. (2024a). China Foreign Direct Investment 1979-2025. Retrieved May 22, 2025, from <https://www.macrotrends.net/global-metrics/countries/CHN/china/foreign-direct-investment>.
- MacroTrends. (2024b). India Foreign Direct Investment 1970-2024. Retrieved May 22, 2025, from <https://www.macrotrends.net/global-metrics/countries/IND/india/foreign-direct-investment>.
- Mirtorabi, S.S., & Hasanpour, T. (2023). The impact of China's rise on its trade relations with the United States (2008-2021). *American Strategic Studies*, 3(1), 93-114. [in Persian]
- NDAA. (2019). National Defense Authorization Act. H. R. 5515. U.S. Congress..
- Pauwelyn, J. (2025). Unravelling of the trade legal order: Enforcement, defection and the crisis of the WTO dispute settlement system. *International Affairs*, 101(3), 1103-1122.
- Roush, J. (2025). How Iran Sees the China-US Trade War, <https://thediplomat.com/2025/07/how-iran-sees-the-china-us-trade-war>.
- Sacks, D. (2023). Is China's Huawei a Threat to U.S. National Security? Council on Foreign Relations. Retrieved from <https://www.cfr.org/background/chinas-huawei-threat-us-national-security/>
- Salehi, S.H., Mousavi Shafae, S.M., Golmohammadi, V., & Hajjyousefi, A.M. (2024). The Impact of Techno-Nationalism on US-China Economic Competition (with an Emphasis on the Semiconductor Sector). *International Political Economy Studies*, 6(2), 607-637. [in Persian]
- Schneider-Petsinger, M. (2020). *Reforming the World Trade Organization, Prospects for Transatlantic Cooperation and the Global Trade System*. Chatham House. Retrieved from <https://www.chathamhouse.org/2020/09/reforming-world-trade-organization>.
- Statista. (2025). Largest companies by market capitalization worldwide as of November 2025. <https://www.statista.com/statistics/263264/top-companies-in-the-world-by-market-capitalization>.

- Swanson, A. (2018). Trump's trade war with China is officially underway. The New York Times. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2018/07/05/business/china-us-trade-war-trump-tariffs.html>
- The Strategist. (2022). Biden's battle for technology standards. Retrieved from <https://www.aspistrategist.org.au/bidens-battle-for-technology-standards/>.
- The Wall Street Journal. (2025). U.S. Restricts Semiconductor Exports in Bid to Slow China's Military Advance. Retrieved from <https://www.wsj.com/articles/u-s-restricts-semiconductor-exports-in-bid-to-slow-chinas-military-advance-11665155702>.
- The White House. (2022). Partnership for Global Infrastructure and Investment (PGII): Advancing Sustainable Infrastructure. Retrieved from <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/2022/06/24/fact-sheet-partnership-for-global-infrastructure-and-investment-pgii>.
- The White House. (2024). *Fact Sheet: Partnership for Global Infrastructure and Investment at the G7 Summit*. Retrieved from <https://bidenwhitehouse.archives.gov/briefing-room/statements-releases/2024/06/13/fact-sheet-partnership-for-global-infrastructure-and-investment-at-the-g7-summit-2/>
- Treasury. (2018). Statement by Secretary Yellen on FIRRMA Implementation. U.S. Department of the Treasury.
- U.S. Census Bureau. (2018). U.S. International Trade in Goods and Services. Retrieved from <https://www.census.gov/foreign-trade/statistics>.
- U.S. Census Bureau. (2023). U.S. International Trade in Goods and Services. Retrieved from <https://www.census.gov/foreign-trade/statistics>.
- U.S. Department of Homeland Security (DHS). (2021). 5G: The Telecommunications Horizon and Homeland Security. Retrieved from https://www.dhs.gov/sites/default/files/202202/22_0224_st_5G_6G_Horizon%20Scanning%20Report_final_508.pdf.
- U.S. Department of Treasury. (2020). Executive Order on Addressing the Threat from Securities Investments. Retrieved from <https://www.treasury.gov>.
- U.S.-China Economic and Security Review Commission. (2023). 2023 Report to Congress. U.S. Government Publishing Office. <https://www.uscc.gov/annual-report/2023-annual-report-congress>.
- UNCTAD. (2025). Global trade update: Impact of U.S.-China trade tensions. United Nations Conference on Trade and Development. Retrieved from <https://unctad.org>.
- USTR. (2020). Report on the Appellate Body of the World Trade Organization. Office of the U.S. Trade Representative.
- USTR. (2022). Indo-Pacific Economic Framework Launch. Office of the U.S. Trade Representative USTR Report, May 23.
- USTR. (2023). Statement from Ambassador Katherine Tai on Steel and Aluminum Tariff Rate Quota Extension. https://ustr.gov/about-us/policy-offices/press-office/press-releases/2023/december/statement-ambassador-katherine-tai-steel-and-aluminum-tariff-rate-quota-extension?utm_source=chatgpt.com%20%22Statement%20from%20Ambassador%20Katherine%20Tai%20on%20Steel%20and%20Aluminum%20...%22
- USTR. (2025). IPEF Achievements 2024-2025. USTR Policy Brief, January 20.
- VanGrasstek, C. (2020). The future of the WTO in the face of bilateralism. World Trade Review, 19(S1), S47-S62.
- West, D.M. (2022). The Future of Work: Robots, AI, and Automation. Brookings Institution Press.

- World Bank. (2024). World development indicators: GDP (current US\$). <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=US>.
- World Bank. (2025). PGII Global Infrastructure Investments. World Bank Report, February 10.
- WTO. (2020). World Trade Report 2020: Government Policies to Promote Innovation. World Trade Organization.
- Yatsuzuka, K. (2025). China's quest for technology dominance and potential for Japan-South Korea cooperation. East Asia Institute (EAI), 1-9.
- Yoon, H. (2023). Free trade and the US-China trade war: A network perspective. Routledge.
- Zhao, W., Wang, Y., & Li, J. (2023). Huawei's Competitiveness in Operations and Supply Chain Management. In H.

